

## تحلیل نحوه مواجهه با آثار خارجی منفی از منظر اقتصاد اسلامی

غلامرضا مصباحی مقدم\*

محمد جواد رضائی\*\*

مهدی موحدی بکنظر\*\*\*

تاریخ دریافت: ۸۸/۰۷/۲۷

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۰/۲۹

### چکیده

آثار خارجی منفی به عنوان یکی از عوامل مهم و موثر در تغییر رفاه افراد جامعه و نتایجی که با خود به بار می‌آورند موضوعی مهم در علم اقتصاد و بالتبع اقتصاد اسلامی است. از مهمترین پیامدهای قابل مطالعه اینگونه آثار، تخریب محیط زیست و نابودی منابع طبیعی می‌باشد. بشر امروز که پی به اهمیت بیش از پیش محیط زیست خود برده است، در تلاش برای حل مشکلات ناشی از سوءاستفاده‌های انجام شده از طبیعت بوده و سعی در ارائه راه‌کارهای مناسب دارد. در این مقاله با تمرکز بر تکالیف انسان و دولت اسلامی در برابر محیط زیست، با استفاده از آیات و روایات و منابع فقهی و تفسیری، چارچوبی از نحوه بهره‌برداری بشر از منابع طبیعی ارائه گردیده است. پس از تشریح دیدگاه علم اقتصاد در برابر حل مسأله آثار خارجی و شکست‌هایی که برخی از این روش‌ها با آن مواجهند و نیز با توجه به چارچوب پیش‌گفته، وظایف و سیاست‌گذاری‌هایی کاربردی راجع به وظیفه مسلمانان و دولت اسلامی برای مواجهه با چنین مشکلاتی ارائه گردیده است.

### واژگان کلیدی

آثار خارجی منفی، اسلام و محیط زیست، اقتصاد بخش عمومی، قاعده لاضرر، قانونگذاری

\* دانشیار دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق (ع)

J.rezaei@isu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه امام صادق (ع)

Movahedi@isu.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه امام صادق (ع)

#### مقدمه

محیط زیست به عنوان بستری برای رشد و ادامه حیات موجودات از جمله انسان، اهمیت بسیاری داشته و برخورداری از محیط زیستی سالم، تضمین کننده زندگی سالم برای نسل های کنونی و آینده می باشد. استفاده نادرست بشر امروز از این موهبت الهی و عدم توجه به پیامدهای ناشی از فعالیت های تولیدی و اقتصادی و تخریب محیط زیست، موجب مطرح شدن مباحث جلوگیری از تخریب محیط زیست در بسیاری از گروه ها، دولت ها و سازمان های بین المللی شده است. البته علت به وجود آمدن مشکلات زیست محیطی در عصر حاضر معلول تغییر نوع نگاه بشر و ناشی از نتایج فرایند صنعتی شدن است. هنگامی که دید بشر به طبیعت و سایر افراد جامعه در راستای بهره برداری مطلق و بی قید و شرط باشد، مسائل کنونی زیست محیطی نتیجه قهری آن خواهد بود.

در این مقاله در پی آن هستیم تا با رویکردی اسلامی و فقهی مسأله آثار خارجی منفی - با تأکید بر محیط زیست - را مورد بررسی قرار دهیم. قسمت اول این مقاله دید کلی اسلام به محیط زیست را مورد توجه قرار داده است. قسمت بعدی به بیان حقوق و تکالیفی که در این رابطه از جانب خداوند بر عهده انسان نهاده شده است پرداخته و در پی به دست دادن چارچوبی از وظایف و قیود پیش روی انسان در استفاده از طبیعت یا اموال خود خواهیم بود. در قسمت سوم در راستای تبیین مسأله، به تعریفی از آثار خارجی منفی و نحوه تأثیر اینگونه اثرات بر محیط زیست و بحران های به وجود آمده خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است که در این مقاله، منظور از محیط زیست و تخریب آن، استفاده فرد از مملوکات خود نیست که جنبه شخصی داشته و منافع و مضار آن به خود شخص باز می گردد، بلکه موضوع آثار خارجی آنجایی است که به نحوی از انحاء، کیفیت زندگی و حیات دیگران بطور نامطلوبی متأثر می گردد. راه کارهایی که علم اقتصاد در مواجهه با اینگونه اثرات معرفی نموده و مشکلات و مزیت های آن می تواند راهگشای توصیه های سیاستی قابل اجرا توسط دولت اسلامی باشد؛ از اینرو پس از

معرفی اجمالی این راه‌حل‌ها، به بیان وظایف دولت اسلامی در این حوزه خواهیم پرداخت.

### ۱. اسلام و محیط زیست

در عصر حاضر اهمیت محیط زیست و مسائل مربوط به تخریب و سوءاستفاده از آن توجه حقوقدانان، اقتصاددانان و برنامه‌ریزان اجتماعی را به خود جلب نموده است. برخی حقوقدانان خواستار به رسمیت شناخته شدن حقی جدید به نام «حق برخورداری از محیط زیست پاکیزه، سالم و امن»<sup>۱</sup> شده‌اند. از آنجایی که عواقب ناشی از تخریب محیط زیست منجر به تغییر ترجیحات و انتخاب انسان شده و بالتبع تخصیص متفاوت منابع را به دنبال دارد، از اینرو می‌تواند موضوعی برای تحلیل‌های اقتصادی گردد. پیامدهای اینگونه اثرات زیست محیطی به عنوان یک عامل مهم در عدالت بین نسلی و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت جوامع از اهمیت بسیاری برخوردار است.

محیط زیست به عنوان جایگاهی که همه نسل‌های بشری نیازمند بهره‌برداری و استفاده از آن هستند عامل بسیار مهمی در حیات مادی انسان‌ها بوده و از آن‌جا که لازمه رشد موجودات می‌باشد در تعالیم اسلام مغفول انگاشته نشده است. اهتمام اسلام به محیط زیست و مسئولیت در برابر همه مخلوقات از جمله حیوانات و گیاهان امری است که به سادگی توسط آیات و روایات قابل برداشت است. یاد نمودن از زمین به عنوان مادر بشر<sup>۲</sup> و لزوم حفظ آن در بیان رسول خدا(ص) و احترام به درختان<sup>۳</sup> از مواردی است که می‌توان در این زمینه بدان‌ها استناد نمود(کاشف الغطاء، بی‌تا، ص ۲۲). امیرالمؤمنین(ع) در بیان ویژگی‌های مسلمان می‌فرماید: «از خدا در مورد حق‌بندگان و بلادش بترسید، زیرا شما مسئول هستید حتی در برابر زمین‌ها و ستوران»<sup>۴</sup>. صید به منظور خوشگذرانی در اسلام معصیت شمرده شده (قرشی، ۱۴۱۲ق.، ج ۴، ص ۱۶۸)؛ همانگونه که از امام باقر(ع) نقل شده است اگر صیادی نه به خاطر رفع نیاز بلکه برای تفریح دست به شکار بزند و بدین منظور مسافرت نماید، نمازش تمام است چرا که به دلیل انجام لهو و عمل بیهوده‌ای قصد سفر کرده است<sup>۵</sup> (طوسی، ۱۳۹۰ ق.، ص ۲۳۶).

امام صادق (ع) نیز علت آنرا نبودن در مسیر حق عنوان می‌نماید<sup>۶</sup> (طوسی ۱۳۹۰ ق.، ص ۲۳۶).

البته مبحث محیط زیست با مفهوم جدیدی که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرد، پیش از این در اذهان عموم انسان‌ها مطرح نبوده است. چه بسا سوء مدیریت در بهره‌برداری از منابع زیستی و تخریب محیط زیست، که از دستاوردهای تمدن جدید بشریست، عامل جلب نظر انسان‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به محیط زیست شده است.<sup>۷</sup> در همین راستا است که توجه به نسل‌های آینده و حمایت از طبیعت امری است که امروزه از جانب برخی از محققان غربی مورد تأکید قرار می‌گیرد (Siedel, 2002, p.291).

## ۲. تکلیف انسان در برابر محیط زیست

در نظام حقوقی اسلام، تکالیف و حقوق همراه و متناسب با یکدیگر مورد تأکید قرار می‌گیرند. اگر حق استفاده از طبیعت به رسمیت شناخته شده، تکلیفی نیز به همراه آن برعهده انسان گذاشته شده است. در آیات قرآن به حق انسان‌ها در استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست و طبیعت اشاره شده است. از نظر اسلام، نوع بشر، و نه تنها آدم ابوالبشر، از مقام جانشینی خداوند در زمین برخوردارند<sup>۸</sup> (انعام: ۱۶۵). در قرآن بهره‌گیری از برخی عناصر طبیعی که نقش بسیار مهمی در حفظ تعادل سیستم‌های زیست محیطی دارند برای همه انسان‌ها به عنوان یک حق به رسمیت شناخته شده است: «و انزلَ لكم من السماء ماء»<sup>۹</sup> (نمل: ۶۰). البته مهمترین تکلیفی که در چارچوب اقتصاد اسلامی برای انسان تعیین گردیده شکرگزاری از مواهب طبیعی‌ایست که در اختیار انسان گذارده شده؛ چرا که ناسپاسی انسان نسبت به نعمت‌ها از جمله محیط زیست سالم و امن، عامل ناپایداری و زوال آن‌هاست. در دیدگاه اسلامی هر چند انسان محور کائنات بوده اما انسان محوری مدنظر اسلام، وی را مسئول نظم و انتظام طبیعی خلقت نیز می‌داند (جوادی، ۱۳۸۷، ص ۵۵). در ادامه تکالیف انسان و ویژگی نحوه استفاده از محیط زیست تحت عناوین مشخصی بیان گردیده که به شرح و توضیح هر یک پرداخته‌ایم.

## ۲-۱. امکان استفاده همه انسان‌ها از محیط زیست سالم

استفاده از محیط زیست و اعمال برخی اثرات بر آن، منحصر در افراد یا در یک زمان خاص نیست. بلکه منابع طبیعی زمین برای استفاده همه انسان‌ها تا پایان وجود بشر بر روی زمین آفریده شده است: «خداوند همه آنچه در زمین است را برای شما انسان‌ها آفرید»<sup>۱۰</sup> (بقره: ۲۹). بنابراین استفاده افراد یا دولت‌ها از محیط زیست و هرگونه دخل و تصرف مستقیم یا غیرمستقیم در آن که موجب پایمال شدن حقوق دیگر انسان‌ها از جمله نسل‌های آینده شود مجاز نیست. در دیدگاه اسلامی هیچ‌یک از نسل‌های بشری حق بیشتری در بهره‌برداری و استفاده از منابع طبیعی نداشته و از این نظر همه نسل‌های بشری یکسانند. همین امر لزوم توجه به «استحقاق همه انسان‌ها در همه زمان‌ها از منابع طبیعی» در انواع بهره‌برداری‌ها را آشکار می‌نماید.

## ۲-۲. عدم اضرار به غیر

یکی از قواعد بسیار مهم فقهی که در استنباط احکام مورد استناد فقها قرار می‌گیرد قاعده لاضرر است. لازم است برای تبیین چگونگی استفاده از این قاعده و مفهوم آنرا به موضوع مورد مطالعه، بدان پردازیم. ابتدا تعدادی از احادیثی که در آن‌ها به مضمون «لاضرر و لااضرار» اشاره شده است را بیان می‌کنیم. پس از بیان روایات، به تحقیقی راجع به قاعده لاضرر در جهت اثبات استعمال این قاعده درباره آثار خارجی منفی زیست محیطی می‌پردازیم. در نهایت نیز با کمک برخی از روایات، مستقیماً در پی تعمیم موارد آن احادیث به موضوع مقاله خواهیم آمد.

مضامین مربوط به ضرر نرسانیدن به غیر در قالب چندین موضوع و حادثه در کتب روایی به ثبت رسیده است. قضیه اول مربوط به قضیه درخت سمره بن جندب می‌باشد؛ توضیح آنکه سمره بن جندب درخت خرمايي داشت که راه رسیدن به آن از منزل یکی از انصار بود. وی برای رسیدگی به درخت و دستیابی به آن، بدون اجازه وارد ملک انصاری می‌شد و موجبات مزاحمت خانواده انصاری را فراهم می‌کرد. انصاری ابتدا از او خواست که قبل از ورود به منزل اجازه بگیرد ولی وی نپذیرفت. انصاری شکایت نزد رسول خدا(ص) برد. حضرت(ص) به سمره فرمود که از این پس

هرگاه قصد داخل شدن به منزل را داشتی اجازه بگیر. سمره از قبول آن امتناع کرد. رسول خدا(ص) از او خواست که از آن درخت صرف نظر کند و در ازای آن صاحب درخت دیگری شود. باز قبول نکرد. حضرت(ص) فرمود که در مقابل آن درخت، مالک ده درخت دیگر باش. سمره نپذیرفت. حضرت(ص) فرمود که از این درخت دست بردار و به جای آن در بهشت یک درخت خرما به تو می‌دهم. باز نپذیرفت. حضرت(ص) فرمود که تو مرد ضرر زنده‌ای هستی و ضرر و ضرار در اسلام نیست و پس از آن به مرد انصاری دستور داد که درخت را قطع کرده و نزد سمره بیاورد.

روایاتی که ذیل قضیه سمره بیان گردیده‌اند تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. در کتاب شریف کافی راجع به عبارت نهایی رسول خدا(ص) اینگونه آمده که «أَذْهَبَ فَأَقْلَعَهَا وَ أَرَمَ بِهَا إِلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۲۹۲) و نیز «إِنَّكَ رَجُلٌ مُضَارٌّ وَلَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ عَلَيَّ مُؤْمِنٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۲۹۴). در وسائل الشیعه ذیل باب عدم جواز اضرار مسلم اینگونه آمده است: «مَا أَرَاكَ يَا سَمْرَةَ إِلَّا مُضَارًّا أَذْهَبَ يَا فُلَانُ فَأَقْطَعَهَا وَ اضْرِبْ بِهَا وَجْهَهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق.، ج ۲۵، ص ۴۲۸). در روایتی دیگر نیز اینگونه بیان شده که: «أَذْهَبَ فَأَقْلَعَهَا وَ أَرَمَ بِهَا إِلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق.، ج ۲۵، ص ۴۲۹).

موضوع دومی که تحت آن به عدم اضرار به غیر اشاره شده مبحث ثبوت حق شفعه می‌باشد. در روایتی از ابی عبدالله(ع) اینگونه آمده است که رسول الله(ص) راجع به شفعه بین شرکاء در زمین و مسکن قضاوت نمود و فرمود «لا ضرر و لا ضرار»<sup>۱۱</sup> (حرعاملی، ۱۴۰۹ق.، ج ۲۵، ص ۴۰۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۲۸۰)

دلیل دیگر بیان عبارت، حفر قنات در کنار قنات دیگر است. از محمد بن حسین روایت شده که گفت: خدمت ابی محمد(ع) نوشتم شخصی در قریه‌ای قناتی دارد و فرد دیگری می‌خواهد قنات تازه‌ای حفر نماید. چه اندازه باید بین آن‌ها فاصله باشد تا به صاحب قنات موجود ضرر نرساند. در پاسخ نوشتند که «به گونه‌ای که به دیگری ضرر نرساند»<sup>۱۲</sup> (حرعاملی ۱۴۰۹ق.، ج ۲۵، ص ۴۳۰). روایت دیگری نیز در این باره از امام صادق(ع) راجع به قناتی که فردی احداث نموده و باعث خشک شدن آب قنات دیگر شده ذکر شده که (پس از انجام امتحان خاصی که ذکر شده) ایشان فرمودند: «اگر

معلوم شد که قنات دوم به قنات اول ضرر می‌زند، باید پرسود<sup>۱۳</sup> (حرعاملی، ۱۴۰۹ق.، ج ۲۵، ص ۴۳۳).

مورد دیگر از موارد نهی از ضرر رساندن به دیگران، راجع به فردی است که قصد تغییر مسیر رود به قریه خود را دارد اما به این واسطه باعث تعطیلی آسیابی می‌شود که از آب رود استفاده می‌کند. از امام (ع) سؤال می‌شود که آیا اجازه این کار را دارد. امام (ع) در پاسخ می‌نویسد: «از خدا پروا کند، به نیکی رفتار نماید و به برادر مؤمن خود ضرر نرساند»<sup>۱۴</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۲۹۳).

برای استفاده از روایات فوق در جهت موضوع مورد مطالعه این مقاله به دو گونه می‌توان عمل نمود. اول آنکه از قاعده لاضرر، که برخی روایات فوق مصادر این قاعده فقهی می‌باشند، استفاده نمائیم و ثانیاً آنکه از موضوعات بیان شده در خود روایات برای بیان منظور خود کمک بگیریم. بنابراین ابتدا به بیان قاعده لاضرر و معانی استفاده شده از آن در نزد فقها می‌پردازیم.

## ۲-۱-۲. قاعده لاضرر

در شرح عبارت «لا ضرر و لا ضرار» بین فقها و لغت‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. در بیان معنی ضرر اقوال مختلفی ابراز شده است. کفعمی و ابن منظور آنرا ضد نفع دانسته‌اند (کفعمی، ۱۴۰۵ ق.، ص ۳۴۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق.، ج ۴، ص ۴۸۲). علاوه بر معنای فوق به معنی نقص حق نیز استفاده شده است (طریحی، ۱۴۱۶ق.، ج ۳، ص ۳۷۳). ضرار نیز مصدر باب مفاعله به معنای ضرر زدن استعمال شده است (قرشی، ۱۴۱۲ق.، ص ۱۷۹). ضرار را در معنای ضرر غیر مالی و مادی نیز می‌توان دانست.<sup>۱۵</sup> در بیان تفاوت دو کلمه فوق نیز احتمالاتی وجود دارد. ضرر فعل یک نفر و ضرار بین دو نفر واقع می‌شود؛ یا اینکه ضرر فعلی ابتدایی و ضرار نتیجه آن است؛ و نیز ضرر به معنای ضرر رساندن به دیگری به گونه‌ای که ضرر زننده نفعی نمی‌برد اما ضرار، ضرر رساندن به شکلی است که از آن نفعی برای فرد ضرر زننده حاصل می‌شود (طریحی، ۱۴۱۶ق.، ج ۳، ص ۳۷۳). ضرر به معنای صدور فعل به شکل عمدی یا غیر عمدی و ضرار شامل افعال عمدی نیز بیان شده است.

نظری که بطور کلی مورد استفاده و پذیرش فقها در معنای ضرر است ضد نفع بودن آن و ایجاد نوعی هزینه برای فرد مقابل می‌باشد، چه آنکه مفهومی واضح برای عرف می‌باشد (تبریزی، ۱۳۶۹ق.، ص ۴۲۷؛ خمینی، ۱۳۸۵ق.، ص ۲۸؛ طباطبائی حکیم، ۱۴۰۸ ق.، ص ۳۷۶؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ ق.، ص ۲۱۵).

برای استفاده از این قاعده در موضوع مورد بحث مقاله ناچار به بحث پیرامون این قاعده و فهم فقها از آن هستیم. به طور کلی در شرح عبارت چند وجه اظهار شده است؛ عده‌ای «لا» را نافی و به معنای عدم وجود حکم ضرری در احکام اسلام دانسته‌اند. طبق این نظر معنای لاضرر و لا ضرار آنست که در احکام اسلام حکمی که به زیان فرد باشد و موجب ضرر رسانیدن شود وجود ندارد. شیخ انصاری (قده) از قائلین به این نظریه بوده و آنرا به معنای نفی جعل حکم ضرری در شرع دانسته است (شیخ انصاری، ۱۴۱۴ق.، ص ۱۱۶). در مقابل این نظریه می‌توان گفت که از روایات مربوط به قضیه سمره بن جندب چنین برداشتی دور از انتظار است چه آنکه فرد انصاری شکایت نزد رسول خدا(ص) برده و پیامبر در بیان دلیل اشاره به ضرری نبودن احکام اسلام نموده است! فهم فقها از ضرری نبودن احکام اسلام در مواردی چون عدم وجوب روزه بر مریض<sup>۱۶</sup> بوده و قابل تطبیق با روایت سمره و دیگر روایات ذکر شده نمی‌باشد. علاوه بر این در برخی روایات اینگونه آمده که «تو(سمره) فرد ضرر زننده‌ای هستی» و حضرت(ص) در بیان توجه دادن مفاد «لاضرر و لا ضرار» به این عمل سمره بوده‌اند.

برخی نیز اراده نهی از عبارت نموده که طبق این نظر دوم، جمله «لا ضرر و لا ضرار» در مقام انشاء صادر شده و به معنای نهی از ضرر رساندن است. چه آنکه نه تنها این برداشت از روایات دارای عبارت «لا ضرر و لا ضرار» محتمل‌تر است بلکه این نحوه نهی نمودن مؤکدتر از نهی با الفاظ صریح است، چرا که استفاده از کنایه در بیان این عبارت به معنای بدیهی بودن مبغوضیت آن نزد شارع می‌باشد. البته این نظر قابل تقسیم به دو نوع قائلیت به نهی می‌باشد. شیخ الشریعه اصفهانی(قده) این نوع نهی را نهی تشریحی تلقی نموده و دلایلی برای این برداشت ارائه نموده‌اند؛ از جمله استناد به معنای آیه «فلا رَفَثَ و لا فسوقَ و لا جدالَ فی الحج» (بقره: ۱۹۷) و احادیثی از رسول



خدا(ص) چون «لا جَلْبَ»<sup>۱۷</sup> و «لا جَنَبَ»<sup>۱۸</sup> و «لا شِغَارَ فِي الْإِسْلَامِ» و «لا إِخْصَاءَ فِي الْإِسْلَامِ» و «لا بِنْيَانِ كُنَيْسَه»<sup>۱۹</sup> نموده‌اند (اصفهانی شیخ الشریعه، ۱۴۱۰ق، ص ۲۴). طبق این نظر، نهی از ضرر در کنار سایر نواهی قرار گرفته و حکومتی بر آنها ندارد.

حضرت امام خمینی(ره) این نهی را نهی حکومتی دانسته‌اند و آنرا ناشی از مقام حکومتی و اجرایی نبی اسلام(ص) می‌دانند (خمینی، ۱۳۸۵ق، ص ۵۵). حضرت امام(ره) تصریح می‌نمایند که در قضیه درخت سمره، فرد انصاری در مقام ارائه شکوائیه به حاکم بوده و عبارت «فَأَقْلَعَهَا وَ أَرَمَ بِهَا إِلَيْهِ» حکمی سیاسی و حکومتی به معنای عدم وجود هرگونه ضرر و ضراری در حوزه فرمانروایی رسول خدا(ص) از سوی ایشان صادر شده است. بر طبق این نظر قاعده لاضرر تنها قدرت محدود نمودن قاعده تسلیط<sup>۱۹</sup> را داشته و در سایر ابواب فقهی کاربردی ندارد. در اصل بنا به نظر برخی فقها، قاعده تسلیط در چارچوب عرف و تمتع عقلی از اموال معنی می‌یابد و اگر فراتر از قوانین یا فهم عرفی از بهره‌برداری باشد قاعده تسلیط جوازی برای این نوع تصرف نمی‌باشد (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۳). طبق نظر اخیر می‌توان بیان داشت که در ابواب مختلف فقه در موارد ضرر، ادله خاص رسیده و شرع وظیفه مکلف آنرا مشخص نموده و نیاز به عموم قاعده لاضرر که مشهور بین اصولیون است نمی‌باشد.

قول سوم نیز به عدم وجود ضرر غیر متدارک (غیر قابل جبران) اشاره دارد. این نظر منتسب به فاضل تونی و مرحوم نراقی است. بنا به این نظر آنچه که مورد نفی قرار گرفته ضرر غیرمتدارک بوده چرا که ضرر متدارک به منزله عدم ضرر نزد شارع است (مروج جزائری، ۱۴۱۵ق، ص ۶۰۱). در برابر این قول می‌توان گفت اراده ضرر غیرمتدارک، اگر به معنای استعمال ضرر در این معنا باشد، مجاز و برخلاف اصاله الحقیقه است و نیاز به قرینه موجب انصراف از معنای حقیقی دارد و چنین قرینه‌ای وجود ندارد (مروج جزائری، ۱۴۱۵ق، ص ۶۰۱). نقد دیگر آنست که هر چند تدارک ضرر باعث جبران خسارت است اما بدین معنا نیست که ضرر در خارج وجود ندارد (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶).

نتیجه آنکه گرچه فقها در معنای «لا» در احادیث مورد بحث اختلاف نموده‌اند، اما با توجه به کلیه روایات در این باب می‌توان بیان داشته که اگر قصد استخراج قاعده‌ای

از این روایات وجود دارد با معنای ناهیه بودن «لا» می‌توان از قاعده لاضرر استفاده نمود؛ چه آنکه روایات تصریح در نهی از اعمالی دارد که موجب ضرر رسانیدن به غیر می‌شود.<sup>۲۰</sup> البته باید توجه نمود که در منهی بودن تحمیل ضرر به غیر، یک استثنا وجود دارد و آن اینکه اگر ضرری وارد شد و هزینه وارد آمده به فردِ ضرر بیننده به نحوی از انحاء جبران گردید آنگاه از نظر شارع اشکالی متوجه این عمل نیست. می‌توان بیان داشت که در قضایای مربوط به روایات عدم اضرار به غیر، اگر ضرر بیننده هزینه‌های وارده را جبران می‌نمود منعی از سوی معصوم (ع) صادر نمی‌شد. نظر مورد اختیار ما در فهم قاعده لاضرر آنست که اگر ضرر جبران گردید هرچند در واقع در ابتدا ضرری رخ داده اما طبق نظر شارع، برای از بین رفتن این نهی باید جبران صورت بگیرد. تفاوت این نظر با قول سوم آنست که در نظر سوم، اگر ضرر جبران شود مصداقی از ضرر نخواهد بود در حالیکه در نظر مختار گرچه ضرر در واقع روی داده اما برای اینکه توسط شارع مورد نهی قرار نگیرد، باید جبران شود. بیان مرحوم مراغی نیز دلالت بر همین نکته دارد که می‌گوید آنچه که از روایات مربوط به قاعده برمی‌آید، چه قائل به نفی باشیم و چه نهی، لزوم رفع ضرر از ضرر بیننده به ذهن متبادر می‌شود (مراغی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۰). در هر صورت بنا به برداشت فوق از قاعده لاضرر، می‌توان مانع انجام فعالیت‌هایی گردید که باعث ایجاد ضرر به غیر خواهد شد. مشخصه مهم این فهم از قاعده، آنست که اگر قصد ایجاد ضرر بر فردی یا گروهی از افراد وجود داشته باشد و ضرر زننده **نتواند** و یا **نخواهد** آنرا جبران کند، دولت اسلامی اجازه ممانعت از انجام این کار یا مجبور نمودن ضررزننده به جبران هزینه‌های وارده را دارد. این مطلب مهمی است که در قسمت پنجم مقاله مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

نکته مهم پس از برداشت فوق از قاعده آنست که حتی اگر افرادِ زیان دیده مشخص نباشند و یا قصد و نیتی مبنی بر ایجاد ضرر از سوی فرد مضار وجود نداشته باشد، باز به دلیل اطلاق روایت لاضرر و اینکه این عمل مصداق ضرر و زیان می‌باشد، تحت شمول قاعده قرار خواهند گرفت. اگر فرد ضرر زننده قصد و نیت ایجاد ضرر بر فرد یا افراد دیگر داشته باشد براساس حکم تکلیفی مرتکب حرام شده است اما ایجاد

آثار خارجی منفی امری اجتماعی و حکومتی بوده و اجازه ممانعت از ایجاد ضرر بر عهده دولت اسلامی می‌باشد.

### ۲-۲-۲. روایات نهی کننده از ضرر رسانیدن به غیر

همانطور که بیان شد تعدادی از روایات به طور کامل بر موضوع ایجاد آثار خارجی منفی که اثر سوئی بر فعالیت و حیات انسانی دارد دلالت دارند؛ از جمله روایت مربوط به حفر قنات و تغییر مسیر رودخانه‌ای که آسیاب بر سر راه آن قرار دارد. یکی دیگر از موارد اهتمام احکام اسلام به چنین مواردی، حکم به وجود فاصله بین چاه آب و چاه فاضلاب بوده است که فتوی فقها نیز بر این امر تعلق گرفته است<sup>۲۱</sup> (قمی، شیخ صدوق، ۱۳۴۱ق، ص ۱۸؛ مجلسی اول، ۱۴۱۴ق، صص ۲۷۲-۲۷۰). ویژگی منحصر به فرد آثار خارجی منفی آن است که گرچه به ظاهر فرد در ملک خود تصرف می‌نماید اما به شکل غیر مستقیم باعث ایجاد ضرر برای فرد یا افراد دیگر می‌شود. در مثال مذکور، گرچه فردی که قصد حفر قنات جدید دارد در ملک خود دست به این کار می‌زند اما عمل او مقید به ضرر نرسانیدن به دیگری شده است. اینجاست که می‌توان عدم ایجاد ضرر به غیر در فعالیت‌های اقتصادی را برداشت کرده و آنرا قیدی برای همه فعالیت‌ها دانست. بنابراین حتی بدون تمسک به قاعده لاضرر نیز می‌توان چنین برداشتی از روایات فوق نموده و انجام چنین اعمالی را طبق احکام اسلامی، غیر مجاز تلقی نمود. همانطور که در بحث قاعده لاضرر بیان شد برداشت دیگری که راجع به استفاده از احادیث ذکر شده در مسائل اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد آنست که بنا به سیاق روایات، اگر امکان جبران ضررهای وارد آمده توسط ضررزننده وجود داشته و وی بتواند به واسطه اذن و راضی نگاهداشتن ضرر بیننده به فعالیت خود ادامه دهد، منعی از سوی شارع صورت نگرفته است.

### ۲-۳. عدم تخریب محیط زیست

در قرآن یکی از مصادیق فساد در زمین نابود کردن منابع غذایی و ایجاد ضرر در نسل انسان‌ها بیان شده است: «و از مردم کسانی هستند که گفتار آنان در زندگی مایه‌ی عجباب

تو می شود و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می گیرند؛ [این در حالیست که] آنان سرسخت ترین دشمنانند. [نشانه آن این است که] هنگامی که روی برمی گردانند در راه فساد در زمین کوشش می کنند و کشت و نسل را نابود می سازند [با اینکه می دانند] خدا فساد را دوست نمی دارد»<sup>۲۲</sup> (بقره: ۲۰۵ و ۲۰۴).

در تفسیر صافی نابود کردن کشت به معنای آتش زدن و خراب نمودن آن و نابود کردن نسل از بین بردن حیوانات بیان شده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۴۰). در کتاب شریف «المیزان» ذکر شده است که نابود کردن کشت و نسل در مقام بیان طریقه فساد در زمین بوده و بدان علت از آن به عنوان فساد نام برده شده که قوام زندگی بشری در بقای حیات وابسته به غذا و تولیدمثل است. علامه طباطبایی همچنین تأکید می نماید که منظور از فساد، فساد به دست بشر است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۴). در تفاسیر منظور از افساد عمل ضرر رساندن به دیگری بدون آنکه استحقاق آنرا داشته باشد و اهلاک عملی که مانع نفع بردن می شود بیان شده است (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۰). در حدیثی از امیرالمؤمنین آمده است که نسل و کشت را به واسطه ظلم و سوء رفتار نابود می کنند<sup>۲۳</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۸۹). بنا به مفاد این آیه از بین بردن کشت و نسل از جانب خداوند حرام شمرده شده است که این امر قابل تعمیم برای وجوب حفظ گیاهان و حتی حیوانات در حال انقراض و کمیاب نیز می باشد (حسینی شیرازی، ۱۴۲۰ق، صص ۲۵-۲۴). در احکام و فتاوی فقها نیز دلایلی مبنی بر عدم ایجاد آلودگی در رودخانه ها وجود دارد. در روایت نه تنها از آلوده نمودن آب رودخانه نهی گردیده بلکه علت آن نیز وجود موجوداتی در آن ذکر شده است<sup>۲۴</sup> (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴؛ حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۹۳). بنابراین عدم تخریب محیط زیست و جلوگیری از ایجاد عدم توازن ها، نه تنها به دلیل انتفاع انسان ها از محیط بلکه فی نفسه مورد توجه اسلام قرار دارد.

## ۲-۴. عمران و آباد نمودن

آباد نمودن محیط زندگی که امروزه می توان علاوه بر عمل فردی، آنرا وظیفه دولت ها نیز دانست، از تکالیف انسان در مقابل استفاده از طبیعت شمرده شده است. به بیان

دیگر انسان‌ها در عمل در موارد بسیاری به ویژه در بخش عمران و آبادانی زمین، وظیفه تحقق توحید افعالی خداوند را برعهده دارند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «شما را از زمین پدید آورد و آبادی آنرا از شما خواست»<sup>۲۵</sup> (هود: ۶۱). در تفسیر این آیه و ذیل «استعمرکم» بیان‌های مختلفی ابراز شده که می‌توان امر به عمران زمین را از آن برداشت نمود. در تفسیر شریف «المیزان» اشاره شده که عمارت در برابر خراب و به معنای آباد نمودن است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۴۶۱). در تفاسیری چون «جوامع الجامع» طبرسی و «تفسیر صافی» امر به آباد نمودن و عمران به عنوان مفهوم «استعمرکم» بیان شده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۲، ص ۴۵۸؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۵۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۶، ص ۲۸۶).

## ۲-۵. توجه به عبد بودن انسان و تناسب فعالیت‌ها با نظام اخلاقی اسلام

گرچه در اسلام تصریح به مقام جانشینی انسان در زمین گردیده اما باید یک قید برآمده از تعالیم قرآن بدان اضافه شود؛ عبد بودن انسان چارچوبی صحیح از انسان مورد نظر اقتصاد اسلامی به ما می‌دهد؛ صفتی که انسان را قادر می‌سازد تا به کمال انسانیت خود نائل آید و از آن جهت بتواند خلیفه خداوند گردد (شمسائی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۳). اگر تصمیم گیرنده‌ای، چه در بعد خرد و چه کلان، همواره به این اصل توجه داشته باشد، نحوه تصرفاتش در اموال خود و نیز تعاملش با محیط زیست با فردی که چنین احساسی ندارد تفاوت می‌کند. نهاد و نهان انسان به گونه‌ایست که تسلیم بودن در برابر خالق، اساس هستی و هویت وی بوده و فرد مسلمان هیچگاه نباید این واقعیت را از نظر پنهان دارد. اگر انسان‌ها براساس خواسته‌های فطری خود عمل نمایند و مطلق واقعی را در خدا بجویند دیگر طبیعت وسیله فخرفروشی و بهره‌برداری در راستای لذت‌جویی‌های نامحدود نخواهد بود (حسینی و عمیق، ۱۳۸۵، ص ۲۰). با دقت در نحوه استفاده بشر کنونی از اموال خود و شیوه تعامل با طبیعت، میزان تقابل او با محیط زندگی خود آشکار است. اینکه بشر با ایجاد نابسامانی‌ها و عدم تعادل‌ها در زمین دست به فساد می‌زند معلول عدم توجه به نسبت حقیقی او با دنیاست. از جنبه اجرائی نیز قوانین بشری نمی‌توانند به‌طور کامل برخی امیال خودخواهانه انسان را در راستای

دستیابی به پیشرفت‌های اقتصادی مهار کنند و از اینرو نیازمند توجه به اصول اخلاقی و قیود معرفی شده هستیم.

## ۲-۶. عدم ایجاد اختلال در نظام آفرینش

آلودگی‌های زیست محیطی اثرات نامطلوب بسیاری بر ابعاد مختلف زندگی بشر و نظام خلقت وارد می‌آورد. کوتاه نمودن عمر انسان، محدود نمودن منابع غذایی او، اثرگذار بودن بر نوع مرگ انسان و ایجاد اختلال در ساعات آرامش و استراحت که ایجاد اختلال در هر یک از این موارد، مورد پذیرش اسلام نمی‌باشد (حسینی شیرازی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۵۵). علاوه بر این، نوع نگاه غیرابزاری به طبیعت در اسلام که نشانگر پذیرش ارزش ذاتی آن است (جوادی، ۱۳۸۷، ص ۵۸) مانع ایجاد اختلال و نابسامانی در نظام آفرینش می‌گردد.

## ۳. آثار خارجی منفی و محیط زیست

آثار خارجی را می‌توان حاصل فعالیت فرد یا بنگاه بر افراد یا بنگاه‌های دیگر دانست که پرداختی بین طرفین به خاطر بوجود آمدن این آثار صورت نمی‌گیرد. آثار خارجی خود به دو نوع مثبت<sup>۲۶</sup> و منفی<sup>۲۷</sup> تقسیم می‌شوند. آثار خارجی مثبت هنگامی روی می‌دهد که عمل یک طرف موجب ایجاد منفعتی برای طرف مقابل می‌شود. مثال این نوع آثار خارجی، زیبایی‌های بصری مربوط به منازل یا باغ‌های خصوصی است که دیگر افراد از مشاهده آن لذت می‌برند یا هوای مطبوعی که گیاهان یک باغ موجب پدید آمدنش می‌شوند. آثار خارجی منفی هنگامی واقع می‌گردد که انجام یک عمل توسط یک طرف -فارغ از قصد و نیت ضرر زننده- موجب متضرر شدن طرف مقابل می‌شود. برای نمونه آلودگی هوا نوعی اثر خارجی منفی است، زیرا افرادی که در فضای آلوده تنفس نموده و به زندگی می‌پردازند از آن احساس ناراحتی و مشقت می‌کنند. آنچه که ما در این مقاله بدان خواهیم پرداخت آثار خارجی منفی است. آلودگی خاک، ورود مواد آلاینده به رودخانه‌ها و دریاها، مصرف بیش از حد سوخت‌های فسیلی، استفاده

نامناسب از سموم شیمیایی و به کار بردن عناصر مضر و ترکیبات غیرقابل تجزیه در تولید کالاها از دیگر مثال‌های آثار خارجی منفی‌اند.

در عصر کنونی اثرات نامطلوب بسیاری به واسطه تولید آلاینده‌های زیست محیطی بر طبیعت وارد آمده است.<sup>۲۸</sup> بحران گرم شدن کره زمین و تغییرات اقلیمی حاصله<sup>۲۹</sup>، اثر گلخانه‌ای و افزایش میزان تشعشعات وارده به زمین<sup>۳۰</sup>، تخریب لایه اوزن<sup>۳۱</sup>، باران اسیدی<sup>۳۲</sup> و بحران منابع آبی و خاکی<sup>۳۳</sup> از جمله مهمترین آثار سوء وارده بر کره زمین است که صرفاً به واسطه استفاده غیرصحيح از منابع انرژی و استفاده از مواد مخرب در فرایند تولید کالاها بوجود آمده است. جریان ایجاد ضرر و هزینه‌های جبران ناپذیر در دنیای کنونی، منحصر به افراد ساکن در یک ناحیه یا یک کشور نمی‌شود. در سال ۲۰۰۷ میلادی شرکت‌های تولیدکننده وسایل الکترونیکی بیش از سیصد و هفتاد میلیون دستگاه الکترونیکی از کار افتاده را به مناطق فقیرنشین کشورهای در حال توسعه آسیایی و آفریقایی صادر کردند. این زباله‌های الکترونیکی بر سلامتی و تولیدمثل افراد تأثیر گذارده و آن‌ها را در معرض مواد سمی قرار می‌دهد (چن، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵). برخی دولت‌ها حتی با معرفی زباله‌های صنعتی خود به عنوان کود و مواد قابل بازیافت، آن‌ها را به کشورهای فقیر آسیایی، آفریقایی و آمریکای جنوبی صادر می‌کنند (کوهن، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵).

#### ۴. راهکارهای اقتصادی مواجهه با آثار خارجی منفی

تخریب محیط زیست به عنوان یکی از آثار عدم توجه به نحوه بهره برداری صحیح از منابع طبیعی که از حقوق همه انسان‌هاست مورد توجه همه دولت‌ها قرار گرفته است. برگزاری بیش از ۱۸۰ اجلاس توسط مجامع بین‌المللی تا سال ۱۳۸۸ و تصویب ۲۸۰ معاهده، موافقت نامه و پروتکل بین‌المللی راجع به محیط زیست (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱) نشان از اهمیت مسأله دارد. به طور کلی راه‌های مواجهه با آثار خارجی را می‌توان به دو دسته راه‌حل‌های بخش خصوصی<sup>۳۴</sup> و بخش عمومی<sup>۳۵</sup> تقسیم‌بندی نمود (Stiglitz, 1999, p.217) که در ادامه بدان‌ها می‌پردازیم.

#### ۴-۱. راه‌حل‌های بخش خصوصی در مواجهه با آثار خارجی منفی

یکی از روش‌های در نظر گرفتن مسأله آثار خارجی منفی، درونی کردن هزینه‌های اینگونه آثار و حاکمیت حقوق مالکیت در جامعه می‌باشد. رونالد کوز در مقاله معروف خود، «مسأله هزینه اجتماعی»<sup>۳۶</sup>، بیانگر این نظریه بود که هنگامی که آثار خارجی وجود دارد طرف‌های درگیر می‌توانند در کنار یکدیگر قرار گرفته و مجموعه‌ای از روابط را ترتیب دهند که آثار خارجی درونی شده و کارایی تضمین گردد (Coase, 1960, pp.1-44). هنگامی که حقوق مالکیت مشخصی نیز تعریف نشده باشد از نظام حقوقی نیز می‌توان به منظور حمایت از آسیب‌دیدگان آثار خارجی استفاده نمود.

البته روش‌های مبتنی بر بازار در حل مشکل مورد بحث با نواقصی روبرو هستند. به عنوان مثال اگر امکان سنجش میزان ناراحتی و ضررِ ضرربینندگان وجود نداشته باشد، راه حل مبتنی بر نظام حقوقی و نظریه کوز در این موارد با شکست مواجه می‌شوند. مشکل دیگر وجود هزینه مبادله<sup>۳۷</sup> در انجام مذاکرات است که مانع انجام آن می‌شود. حتی می‌توان بیان داشت که در غالب موارد با کاهش هزینه مبادله چانه‌زنی<sup>۳۸</sup> احتمال همکاری افزایش نمی‌یابد (Cooter, 1982, p.1). مشکل دیگر هنگامی روی می‌دهد که تعداد افراد درگیر مسأله زیاد باشند که در آن صورت چانه‌زنی انجام نخواهد شد<sup>۳۹</sup> (Cullis and Jones, 1997, p.34). مسأله دیگر نیز عدم شناسایی و جبران افرادی است که از اینگونه آثار متضرر شده اما هنوز متولد نشده‌اند، زیرا برخی از آلوده‌کننده‌های محیط زیست طول عمر بالایی داشته و نسل‌های آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Cullis and Jones, 1997, p.36).

#### ۴-۲. راه‌حل‌های بخش عمومی در مواجهه با آثار خارجی منفی

با توجه به عدم دسترسی آسان به راه‌حل‌های بازاری در عمل از راه‌حل‌های بخش عمومی استفاده می‌شود. این راه‌حل‌ها را در دو دسته عمده «راه‌حل‌های مبتنی بر بازار»<sup>۴۰</sup> و «قانونگذاری مستقیم»<sup>۴۱</sup> می‌توان تقسیم‌بندی نمود (Stiglitz, 1999, p.224). رویکرد بازاری مبتنی بر استفاده از انگیزه‌های اقتصادی به منظور ترغیب افراد و بنگاه‌ها برای کاهش تولید آلودگی می‌باشد (Thomas & Callan, 2007, p.30). راه‌حل‌های مبتنی



بر بازار در قالب «جریمه و مالیات»<sup>۴۲</sup>، «یارانه به منظور کاهش آلودگی»<sup>۴۳</sup> و «مجوزهای قابل خرید و فروش»<sup>۴۴</sup> ارائه می‌شوند.

در روش جریمه و مالیات، به نوعی هزینه تولید بنگاه به واسطه مالیات افزایش یافته و دولت او را مکلف به پرداخت هزینه تولید آلودگی می‌نماید. نتیجه این سیاست کاهش تولید آلودگی و ترغیب بنگاه به بهبود فناوری خواهد بود. البته با وجود این ویژگی مناسب در مالیات ستانی، این شیوه تضمین کننده شرایط بهینگی مدنظر علم اقتصاد نمی‌باشد (Dolbear, 1967, p.90). در روش مجوزهای قابل خرید و فروش، اجازه تولید آلودگی به میزان مشخصی به بنگاه داده می‌شود. به عنوان مثال اعلام می‌شود که هر بنگاه اجازه تولید آلودگی به میزان نود درصد تولید آلودگی سال قبل خود را داراست. اگر بنگاهی توانایی کاهش تولید آلودگی خود را به میزان پنجاه درصد سال قبل برساند، می‌تواند اجازه تولید آلودگی خود را به بنگاه‌های دیگر بفروشد و سایر بنگاه‌ها نیز به واسطه آن به تولید خود ادامه دهند. مشکل این روش عدم توجه به مکان تولید آلودگی و امکان تولید آلودگی بیش از حد در یک منطقه که دارای بنگاه‌ها و صنایع بسیار می‌باشد [به عنوان مثال شهرهای بزرگ] است. از دیگر مشکلات این شیوه تعیین میزان تولید آلودگی اولیه است. مشکل دیگر حل نکردن ضررهای وارده بر محیط زیست و تنها تا حدودی تلاش برای کاستن آلودگی است.

استفاده از ابزار قانونگذاری روش دیگری است که دولت‌ها برای کنترل آلودگی از آن استفاده می‌کنند. هم‌اکنون نمونه‌های گوناگونی از این راهکار استفاده می‌شود؛ ممنوعیت مصرف دخانیات در برخی مکان‌ها، عدم اجازه تولید آلودگی تا حد معین توسط کارخانجات، اعلام حد مشخص تولید آلاینده‌ها توسط اتومبیل‌ها و محدودیت شکار و صید ماهی در مواقع معین از اینگونه مقررات هستند. مشکل این روش عدم ترغیب فرد یا بنگاه به تولید آلودگی کمتر از حد اعلام شده می‌باشد.

در روش‌هایی که بیان گردید، نهایت توجه اقتصاددانان معطوف به تعادل عرضه و تقاضا با در نظر گرفتن هزینه‌های تولید آلودگی بر افراد یا بنگاه‌های دیگر بوده است. آنچه در راهکارهای پیشنهادی علم اقتصاد از اهمیت بالایی برخوردار است - و البته نه

بطور انحصاری - فهم افراد از ضررهای وارده به خود است، هر چند که افراد اطلاع کامل از ضررهای وارده به خود نداشته باشند.<sup>۴۵</sup>

با وجود علم سیاستگذاران به این راه کارها و تأیید نظری برخی از آنها از سوی علم اقتصاد، باز مشکلاتی وجود دارد که در عمل هنوز بی پاسخ مانده است. از سوی دیگر حتی رویکرد ملی و فراملی در قوانین مربوط به محیط زیست کشورهای مختلف وجود نداشته و دید سودجویانه و کوتاه مدت در چهارچوب نظام حقوقی شان مشاهده می شود (Lutz, 1976, p.447). در هنگام تصمیم گیری برای قانونگذاری در سطوح ملی، توجه به منافع ظاهری رأی دهندگان برای قانونگذاران بیشتر از محدودیت های زیست محیطی از اهمیت برخوردار است. جلب نظر کوتاه مدت مردم با اجازه بهره برداری و ادامه فعالیت برخی بنگاه ها، مجوزی برای ایجاد ضررهای وسیع تر به آنها و طبیعت می شود. در واقعیت نیز تغییر مقررات و ترتیبات قانونی برای کسب منافع توسط صاحبان بنگاه ها مشاهده شده است. وجود نابرابری در نفوذ سیاسی بین افراد جامعه، منجر به اهمیت یافتن برخی نظرات خاص و اعمال نفوذ گروه های قدرتمند خواهد شد (Downs, 1957, pp.115-150). مهمتر آنکه جامعه هدف این آلودگی ها که می تواند انسان های در قید حیات و نسل های آینده را متأثر نماید از راه حل های فوق الذکر منتفع نشده و ضررهای وارده بدان ها جبران نمی شود.

علاوه بر موارد پیش گفته راجع به نحوه مواجهه با اثرات خارجی منفی، باید توجه داشت که انجام برخی پروژه ها و تصمیم گیری ها راجع به منابع طبیعی نیز عامل مهمی در ایجاد آلودگی های زیست محیطی هستند. یکی از ابزارهای مورد استفاده در این حوزه که بسیار توسط اقتصاددانان و برنامه ریزان به کار گرفته می شود، تحلیل هزینه-فایده<sup>۴۶</sup> می باشد. مبنای این تحلیل مقایسه منافع و مضار برآمده از انجام برخی تصمیم گیری های مربوط به منابع طبیعی است. گرچه در حیطه نظر، این تحلیل بهترین و مهمترین ابزار برای تصمیم گیری می باشد - که در برخی موارد استفاده از این تحلیل نشان دهنده ارزش اجتماعی بالاتر منابع طبیعی پاک در مقابل هزینه های اجتماعی آن بوده (به طور مثال: Carson & Mitchell, 1993, pp.244-254)، اما با توجه به آنچه که در واقعیت روی می دهد باید توجه نمود که این مفهوم به اشکال متفاوتی توسط

بوم‌شناس<sup>۴۷</sup>، اقتصاددان و دیگر دانشمندان علوم اجتماعی تفسیر می‌شود. حتی با پایبند بودن به این تحلیل، سوالاتی چون «علائق نسل‌های آینده چیست؟» پاسخ داده نمی‌شود؛ اینجاست که استفاده از تحلیل هزینه-فایده نیازمند یک نظریه اجتماعی مبتنی بر بوم‌شناسی و علوم اجتماعی است (Lekakis, 2002, pp.151-180).

به دلیل نوع نگاه جریان متعارف علم اقتصاد به مسائل زیست محیطی، عده‌ای پا را از این هم فراتر نهاده و با مطرح کردن مفهوم «اقتصاد سبز»<sup>۴۸</sup> داعیه دار پارادایمی متفاوت در تحلیل اقتصادی محیط زیست هستند. مطرح شدن این مکتب هترو دوکس در علم اقتصاد معلول مشکلات به وجود آمده در صحنه عمل و احساس نامناسب بودن بهره‌برداری بشر از منابع طبیعی است. اقتصاددانان سبز بیشتر به کیفیت زندگی بشر توجه کرده و نسبت به توجه بیش از حد اقتصاددانان به شاخص‌های کمی در جریان علم اقتصاد متعارف انتقاد دارند (Cato, 2008, p.9). این گروه از اقتصاددانان سه هدف مهمی که باید توسط سیاستمداران تعقیب شود را اینگونه معرفی کرده‌اند: توزیع منصفانه منابع، استفاده کارا از منابع تجدیدناپذیر و حذف فعالیت‌های افراطی<sup>۴۹</sup> (Cato, 2008, pp.209-210).

##### ۵. وظایف مسلمانان و دولت اسلامی در مواجهه با آثار خارجی زیست محیطی

توجه به ارزش طبیعت در دیدگاه‌های الهی که موجب اعتقاد به نوعی ارزش ذاتی برای طبیعت است، فرد مسلمان را از فرو افتادن در دام توهم خدایی کردن بر آن رها ساخته و نابودی منابع طبیعی در نظر وی، در حکم مرگ نشانه‌های الوهیت و زوال کرامت انسانی است (جوادی، ۱۳۸۷، ص ۶۲). تفاوت نوع نگاه انسان مسلمان با نگاه برآمده از اقتصاد متعارف در فرایند تولید و مصرف کالاها موجب ایجاد تفاوت در موضوع آثار خارجی می‌شود. در اسلام، مصرف به دور از اسراف و اقتار بیان گردیده و مسلمانان بدان ترغیب شده‌اند. در بیان قرآن تصریح به مصرف قوامانه شده است؛ آنجا که در بیان ویژگی‌های «عباد الرحمن» می‌فرماید: «کسانی که هرگاه انفاق کنند نه اسراف می‌نمایند و نه سختگیری؛ بلکه در میان این دو حد اعتدالی دارند»<sup>۵۰</sup> (فرقان: ۶۷). منظور از انفاق در این آیه صرفاً کمک به دیگران نبوده بلکه صرف مال در رفع حوائج

(طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۲) و هزینه‌های زندگی (حسینی‌همدانی، ۱۴۰۴ق.، ص ۴۹۷؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق.، ص ۱۰۸؛ حسینی‌شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ص ۳۷۲) نیز می‌باشد. حد میانه‌ای که قرآن بدان اشاره دارد مصرفی بین دو حالت افراطی و تفریطی است (مغنیه، ۱۴۲۴ق.، ص ۴۸۲؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۳) که عمل براساس این حد میانه تأثیر مهمی بر تولید اثرات خارجی دارد. از دیدگاه علم اقتصاد عدم اسراف و اقتار، بالذات مورد تأکید نبوده بلکه هدف اولیه افزایش رفاه و لذت افراد می‌باشد. بسیاری از موارد ایجاد اثرات منفی به واسطه مصارف بیش از حد نیاز می‌باشد؛ چه آنکه اگر چنین مصرفی نمی‌بود تولید کالاهای بیشتر و بالتبع اثرات خارجی کمتری دام‌نگیر اقتصاد می‌شد. بنابراین برخی عوامل موجود در تعالیم اسلام به عنوان مکانیسمی درونی و اولیه، مانع به وجود آمدن بسیاری از اثرات نامطلوب زیست محیطی یا تولید حداقلی آن می‌شود. در نظام اقتصادی اسلام حاکم بودن اخلاق به فرد انگیزه نیرومندی می‌بخشد که سلیقه‌های شخصی خود را به روشی دنبال نماید که به رفاه اجتماعی ضرری نرساند (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۵۰۱). بنابراین به لحاظ نظری به دلیل وجود مبانی ارزشی نظام اقتصادی اسلام که منتج به حفاظت از محیط زیست می‌گردد و نیز کافی نبودن استفاده از راهکارهای اقتصادی رایج، اقتصاد اسلامی از ظرفیت‌های بالقوه فراوانی در این زمینه برخوردار است.

در راستای جلوگیری از تخریب محیط زیست بنا به ادله «عدم جواز فساد در زمین»، «عدم اضرار به غیر» و «عدم ایجاد اختلال در نظام آفرینش» می‌توان از انجام اعمال متخلفانه و سوءاستفاده‌های نابه‌جا جلوگیری نمود و در صورت ارتکاب چنین عملی از سوی هر فرد یا گروهی شدیدترین مجازات‌ها برای این تخلف منظور گردد. همچنین می‌بایست اجرای برنامه‌های تحقیقاتی و آموزشی در راستای اندازه‌گیری دقیق اثرات مخرب زیست محیطی و هزینه‌های وارده بر افراد و طبیعت و استفاده از این دستاوردها در سیاست‌گذاری‌های خود را وجهه همت دولت قرار داد. بنابراین در وهله اول، دولت اسلامی، به دلیل ایجاد هزینه‌های فراوانی که اثرات ناشی از فعالیت‌های امروزی تولیدی و اقتصادی دارد، باید مانع ایجاد چنین اثراتی گردد. ممانعت دولت اسلامی از ایجاد چنین ضررهایی منحصر در نظام نظارت و کنترل نبوده بلکه در

سیاست‌های کلان خود به «حداکثر میزان قابل تحمل آلودگی در محیط زیست» و برآورد «میزان پایدار منابع» نیز توجه نماید (رمضان اختر، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰).

راجع به ادله شرعی مجازات ضرر زننده به افراد و محیط زیست، می‌توان به احادیث و قضاوت‌های معصومین (ع) اشاره نمود. امیرالمؤمنین (ع) راجع به از بین بردن بی‌دلیل جنبنندگان، قطع درختان، از بین بردن محصولات، پر کردن چشمه یا رودخانه حتی در مواقعی که از روی عمد نباشد حکم به جبران آن داده‌اند<sup>۵۱</sup> (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۸، ص ۱۹۹). اتخاذ راهکارهای مناسب برای مجازات چنین اعمالی باید با توجه به تجربیات موجود در ادبیات علم اقتصاد بوده و عاری از مشکلات ممکن که توسط اقتصاددانان بیان گردیده باشد. ضمانت اجرایی و عدم اجازه به وجود آمدن شرایط برای لابی‌گری و تحت تأثیر قراردادان قوانین از مهمترین این اصول می‌باشند.

در زمینه درک میزان آلودگی و هزینه‌های وارده می‌توان از فناوری‌ها و روش‌های نوین موجود در دنیای امروز استفاده نمود. گرچه در دهه‌های گذشته عواملی از این دست در نظر اقتصاددانان، کیفی و غیرقابل اندازه‌گیری و تحلیل بودند، اما امروزه ابزارهای وسیعی برای فهم این هزینه‌ها وجود دارد (World bank, 2005, p.27). توجه دولت اسلامی به رفاه انسان‌ها و حاکم نمودن عدالت در جامعه مستلزم بهره‌گیری از پیشرفت‌های روزافزون این حوزه می‌باشد. بنابراین دولت اسلامی موظف به تأمین چنین امکاناتی برای متخصصان این بخش می‌باشد. استفاده از تحلیل هزینه-فایده به عنوان یکی از ابزارهای مهم ارائه شده توسط علم اقتصاد رویکردی مفید برای تصمیم‌گیری زیست محیطی می‌باشد (Thomas & Callan, 2007, p.185). البته وجود برخی تفاوت‌ها در نوع نگاه به محیط و نحوه تعامل با دیگر انسان‌ها بین دیدگاه‌های الهی و انسان‌محورانه، مستلزم نوعی توسعه یا تضییق در برخی مفاهیم موجود در علم اقتصاد و دخیل نمودن برخی مبانی اسلامی به عنوان یکی از راهکارهای مناسب می‌باشد. تعریف و ایجاد شاخص‌هایی متفاوت با شاخص‌های مورد استفاده در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی که مبتنی بر بهره‌برداری صحیح از طبیعت باشد نیز می‌تواند در این راستا پیشنهاد شود.<sup>۵۲</sup> در دنیای کنونی برخی از شاخص‌ها، با توجه به ناقص بودنشان در درک تغییر رفاه و کسب لذت از زندگی، ملاک سیاست‌گذاری و

تصمیم‌گیری دولت‌ها گردیده؛ در حالی که برنامه‌ریزان باید علاوه بر شاخص‌های اصلی مورد قبول همه جوامع و نظام‌های اقتصادی<sup>۵۳</sup>، عوامل مد نظر اسلام در جوامع اسلامی را نیز به‌عنوان ملاک اجرای سیاست‌ها در نظر بگیرند.<sup>۵۴</sup>

آنچه که در مسأله مواجهه با آثار منفی خارجی و نقش دولت اسلامی در آن مشکل به نظر می‌رسد، موضع دولت اسلامی راجع به اثرات خارجی‌ایست که اجمالاً وجود آن‌ها تشخیص داده شده اما میزان ضررهای وارده به افراد در صورت انتشار آن مشخص نبوده یا افرادی که متحمل ضرر می‌شوند و یا خواهند شد قابل شناسایی و در دسترس نباشند. در این موضوع خاص علاوه بر ادله بیان شده در «لزوم استفاده همه انسان‌ها از محیط زیست» و مفاد قاعده لاضرر می‌توانیم به اصل احتیاط نیز تمسک نمائیم. این اصل اقتضا می‌کند که در حد امکان از این روش‌ها استفاده نکنیم و مسأله را به قاعده تزامم اهم و مهم بسپاریم. این فهم اجازه تعمیم مورد بحث را به ما داده که اگر فهم میزان آلودگی و افراد متضرر آن امکان‌پذیر نباشد نمی‌توان دست به انجام آن کار زد. البته باید توجه داشت که طبق نظر شارع، موردی که توانایی مقید نمودن نتیجه‌گیری این مطالعه را دارد قاعده مصلحت می‌باشد. در هنگام حاکم نمودن قاعده مصلحت باید توجه نمود که سودمندی عمل طبق مصلحت باید به نحوی معقول، اجتناب‌ناپذیر و ضرورت‌تأمین آن از تعالیم شرع قابل اثبات باشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۴).

غیر از راهکارهای ارائه شده به منظور مواجهه با آثار خارجی منفی زیست‌محیطی، در زمان حاضر دو وظیفه خطیر که به نوعی پیش‌نیاز عملی شدن راهکارهای فوق است بر عهده دولت‌های جوامع اسلامی می‌باشد. وظیفه اول که مبتنی بر «توجه‌بخشی به عبد بودن انسان و عمل براساس نظام اخلاقی اسلام» است همانا ارائه اطلاعات مربوط به اهمیت محیط زیست و اثرات نامطلوب بهره‌کشی شدید بشر از طبیعت و وارد آمدن زیان‌های جبران‌ناپذیر به تمام آحاد جامعه و آگاهی بخشی راجع به حقوق و مجازات‌های مربوط به استفاده از محیط زیست می‌باشد. جوامع بشری به این نتیجه رسیده‌اند که آگاهی‌های زیست‌محیطی که از طریق ارتباطات و نظام آموزش و پرورش فراهم می‌آیند جزئی از راهبردهای مورد نیاز برای حفاظت از محیط زیست می‌باشند

(Thomas & callan, 2007, p.436). تقویت فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و زمینه‌سازی اجرای آن از جانب دولت امری ضروری در این راستا به نظر می‌رسد. در فرهنگ اسلامی نیز دست‌مایه‌های قابل توجهی در مورد حفظ محیط زیست وجود دارد که فرهنگ سازی بر اساس این مبانی، تقویت کننده و جزء ضروری به نتیجه رسیدن سیاستگذاری‌های حقوقی و سیاسی زیست محیطی می‌گردد. گسترش این آگاهی و اطلاع افراد از چنین حقوقی منجر به پدید آمدن حس مشارکت بیشتر مردم در امور مربوط به محیط زیست و مطالبه مواجهه مناسب با اثرات منفی زیست محیطی برخی فعالیت‌ها توسط قوای مجریه و مقننه خواهد شد. وظیفه دوم آنکه دولت وظیفه حمایت و توانمند سازی افرادی را دارد که به واسطه استفاده غیر صحیح از محیط زیست و یا انجام فعالیت‌های اقتصادی که آثار منفی جبران ناپذیری دارد امرار معاش می‌نمایند و با استقرار نظام تأمین اجتماعی دقیق و ایجاد فضای مناسب کسب و کار، انگیزه آنان برای آسیب‌رسانی به محیط زیست را بدلیل انجام فعالیت اقتصادی کاهش دهد.

### جمع بندی

با درک اهمیت محیط زیست و روند کنونی تخریب آن، تلاش انسان‌ها برای توقف این فرایند و سعی در جهت بهبود شرایط، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. اسلام به عنوان دینی که برای بشر راهنمایی‌هایی راجع نحوه استفاده از منابع طبیعی ارائه نموده است، داعیه دار حل مشکلات جوامع بشری بوده و راجع به این مسأله سکوت ننموده است. انتشار آلودگی و ایجاد اثرات خارجی منفی از جمله موضوعات مورد بررسی در علم اقتصاد و مباحث حقوقی بوده که اسلام نیز راجع به آن با توجه به اهداف ترسیم شده برای بشریت موضع‌گیری خاصی نموده است. در این مقاله با بررسی تکالیف انسان هنگام بهره‌برداری از اموال شخصی و منابع طبیعی، چارچوبی برای نحوه تصرف وی بدست آمد. بهره‌برداری انسان باید واجد ویژگی‌هایی از جمله: امکان استفاده همه انسان‌ها از محیط زیست سالم، عدم اضرار به غیر، عدم تخریب محیط زیست، عمران و آباد نمودن، توجه به عبد بودن انسان و تناسب فعالیت‌ها با نظام

اخلاقی اسلام و عدم ایجاد اختلال در نظام آفرینش باشد. به لحاظ نظری، اخلاق زیست محیطی مدنظر اسلام مانع به وجود آمدن مشکلاتی خواهد گردید که بشر امروز با آن دست به گریبان است. عملی شدن الگوی ایده‌آل اسلامی و حرکت در این راستا یگانه راه تعامل سازنده انسان‌ها با یکدیگر و نیز انسان‌ها با طبیعت می‌باشد. در نهایت نیز بدین نتیجه رسیدیم که با توجه به ادله بیان شده در موارد فوق‌الذکر، اگر امکان تعیین میزان اثرات خارجی وجود نداشته یا افراد متضرر قابل شناسایی نباشند، چنین استفاده‌ای از نظر اسلام منع شده است. در صورتی که تشخیص میزان هزینه‌های وارده و افراد تحمل‌کننده ضرر نیز وجود دارد، تنها به شرط جبران زیان افراد متضرر، این نوع بهره‌برداری منعی ندارد. البته در دولت اسلامی آنچه که اهمیت اولیه را داراست جلوگیری از ایجاد ضررهای جبران‌ناپذیر و دائمی به محیط زیست بوده و مجازات متخلفان در درجه دوم قرار دارد؛ چرا که تضمینی بر جبران کامل هزینه‌های وارده حتی در صورت پرداخت جریمه یا مالیات وجود ندارد. توصیه‌هایی که در راستای موضوع مقاله و با توجه به چارچوب پیشنهادی، برای دولت اسلامی و مسلمانان که می‌توان بدان‌ها به شکل تکلیف نگریست نیز از این قرارند:

۱. گسترش فناوری‌های پاک.
۲. تشویق به تولید محصولات کشاورزی پاک.
۳. جلوگیری از انجام اعمال متخلفانه و سوءاستفاده‌های نابه‌جا.
۴. مجازات مرتکبین به وارد نمودن اثرات نامطلوب بر محیط زیست و سایر انسان‌ها.
۵. اجرای برنامه‌های تحقیقاتی و آموزشی در راستای اندازه‌گیری دقیق اثرات مخرب زیست محیطی و هزینه‌های وارده بر افراد و طبیعت و استفاده از این دستاوردها در سیاستگذاری‌ها و شاخص‌سازی‌ها.
۶. ارائه اطلاعات مربوط به اهمیت محیط زیست و وارد آمدن زیان‌های جبران‌ناپذیر به تمام آحاد جامعه و آگاهی بخشی راجع به حقوق و مجازات‌های مربوطه.



## یادداشت‌ها

### 1. decent, healthfull and safe

۲. «تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أَمْكُمُ».

۳. «أَكْرَمُوا النَّخْلَةَ فَإِنَّهَا عَمْتِكُمْ».

۴. «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ». (خطبه ۱۶۶)

۵. عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ سَأَلْتُهُ عَمَّنْ يَخْرُجُ مِنْ أَهْلِهِ بِالصُّقُورَةِ وَالْبُرْزَةِ وَالْكَلْبِ يَنْزِعُ اللَّيْلَةَ وَاللَّيْلَتَيْنِ وَالثَّلَاثَ هَلْ يَقْصُرُ مِنْ صَلَاتِهِ أَمْ لَا يَقْصُرُ فَقَالَ عِ إِذَا خَرَجَ فِي لَهْوٍ لَا يَقْصُرُ.

۶. سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ إِلَى الصَّيْدِ أَوْ يَقْصُرُ أَوْ يُتِمُّ قَالَ يُتِمُّ لِأَنَّهُ لَيْسَ بِمَسِيرٍ حَقٌّ.

۷. در عصر کنونی بسیاری از اثرات نامطلوب زیست محیطی معلول فرایند توسعه و صنعتی شدن می‌باشد. مسلمانان و دولت‌هایشان ناگزیر به انتخاب بین برخورداری از محیطی پاک و امن و برخورداری از مظاهر فناوری تمدن جدیداند.

۸. «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ خَلَاتِفًا»، او شما را آفرید و جانشینانی بر روی زمین قرار داد.

۹. و برای شما آبی از آسمان فرود آورد.

۱۰. «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا».

۱۱. «قَضَىٰ رَسُولُ اللَّهِ صِ بِالشُّفْعَةِ بَيْنَ الشُّرَكَاءِ فِي الْأَرْضَيْنِ وَالْمَسَاكِينِ وَقَالَ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ».

۱۲. كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عِ رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ قَنَاةٌ فِي قَرْيَةٍ فَأَرَادَ رَجُلٌ أَنْ يَخْفِرَ قَنَاةً أُخْرَىٰ إِلَى قَرْيَةٍ لَهُ كَمْ يَكُونُ بَيْنَهُمَا فِي الْبُعْدِ حَتَّىٰ لَا تُضِيرَ إِحْدَاهُمَا بِالْأُخْرَىٰ فِي الْأَرْضِ إِذَا كَانَتْ صَلْبَةً أَوْ رِخْوَةً فَوَقَّعَ عِ «عَلَىٰ حَسَبِ أَنْ لَا تُضِيرَ إِحْدَاهُمَا بِالْأُخْرَىٰ».

۱۳. عُقْبَةُ بْنُ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ أَتَى جَبَلًا فَشَقَّ فِيهِ قَنَاةً - فَذَهَبَتْ قَنَاةُ الْآخِرِ بِمَاءِ قَنَاةِ الْأَوَّلِ قَالَ فَقَالَ يَتَقَاسَمَانِ بِحَقَائِبِ الْبَيْرِ لَيْلَةً لَيْلَةً فَيُنْظَرُ أَيُّهُمَا أَضْرَتْ بِصَاحِبَتَيْهَا فَأَنْرَايْتَ الْآخِرَةَ أَضْرَتْ بِالْأُولَى فَلْتَعَوَّرَ.

۱۴. كَتَبْتُ إِلَيْهِ ع رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ رَحَى عَلَى نَهْرِ قَرْيَةٍ وَ الْقَرْيَةُ لِرَجُلٍ فَأَرَادَ صَاحِبُ الْقَرْيَةِ أَنْ يَسُوقَ إِلَى قَرْيَتِهِ الْمَاءَ فِي غَيْرِ هَذَا النَّهْرِ وَ يُعْطَلُ هَذِهِ الرَّحَى أَلَهُ ذَلِكَ أَمْ لَا فَوَقَّعَ ع « يَتَّقِي اللَّهَ وَ يَعْمَلُ فِي ذَلِكَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا يَضُرُّ أَحَاهُ الْمُؤْمِنَ ».

۱۵. چه آنکه راجع به مسجد ضرار اینگونه آمده: «و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است، و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود، و سخت سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم. و [لی] خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند» (توبه: ۱۰۷). در این آیه ضرار به معنای مشوش نمودن و ایجاد زیان و انحراف به ضرر مؤمنان (بازگرداندن ابوعامر راهب) استفاده شده است.

۱۶. به عنوان مثال در بیان یکی از موارد انجام تیمم، که همان ناتوانی به علت مریضی است.  
۱۷. به معنای آن است که زکات گیرنده نباید صاحب دام را مجبور نماید که دام‌ها را از صحرا به نزد او بیاورد تا زکات آن‌ها را اخذ کند.

۱۸. به این معنا که اگر به هنگام زکات حیوانات در محل سکونت باشند، باید آن‌ها را همانجا نگاه داشت و به صحرا نبرد چرا که موجب مشقت گیرنده زکات می‌شود.

۱۹. این قاعده برگرفته از «الناس مسلطون علی اموالهم» بوده و به معنای توانایی هرگونه تصرف در ملک مالک می‌باشد.

۲۰. به عنوان نمونه روایت مطرح شده راجع به ضررزننده بودن سمره و نیز استفاده این حدیث در مسأله «لا يجوز لاحد بناء دكة و لا غرس شجرة في الطريق المسلوك ان ضيق الطريق و ضرر بالمارة» ( تذكرة الفقهاء (ط-القدیمة)، ص ۱۸۲).

۲۱. الْبَيْرُ إِذَا كَانَ إِلَى جَانِبِهَا كَيْفَ فَإِنْ كَانَتْ الْأَرْضُ صَلْبَةً فَيَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا خَمْسَةُ أذْرُعٍ وَ إِنْ كَانَتْ رِخْوَةً فَسَبْعَةُ أذْرُعٍ.

۲۲. «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ».

۲۳. عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ بَطْلَمِهِ وَسُوءِ سِيرَتِهِ - وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ.

۲۴. أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِنَّهُ نَهَى أَنْ يُبَوَّلَ الرَّجُلُ فِي الْمَاءِ الْجَارِي إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ وَقَالَ إِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلًا.

۲۵. «هُوَ انْشَاءُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتِعْمَاكُمْ فِيهَا».

26. positive extenality

27. negative externality

۲۸. اطلاعات مربوط به روند تخریب محیط زیست و اثرات سوء آن برگرفته از منبع زیر است: امنیت زیست محیطی، (۱۳۸۶)، از سری گزارشات ویژه مطالعات امنیت اقتصادی، تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصادی.

۲۹. به طور مثال درختانی که به واسطه آلودگی هوا و فلزات سمی دچار آسیب دیدگی می‌شوند، مقاومت خود را در برابر عواملی چون خشکسالی، آفت یا تغییرات شدید دمایی از دست می‌دهند.

۳۰. احتراق سوخت‌ها فسیلی که موجب آزاد شدن CO2 می‌شود باعث تشعشعات خورشیدی در زیر اتمسفر شده و محیطی چون گلخانه برای کره زمین پدید می‌آورد. قابل توجه است که غلظت این گاز از سال ۱۸۰۰ تا کنون تا ۳۳ درصد افزایش یافته است.

۳۱. یک درصد کاهش لایه اوزن موجب ۲,۱ درصد افزایش در میزان تشعشع ماوراء بنفش و ۳,۴ درصد افزایش در بروز سرطان‌های پوست می‌شود. اشعه ماوراء بنفش می‌تواند موجب تخریب سیستم ایمنی انسان گردیده، بروز بیماری‌های واگیردار را افزایش داده و از میزان تأثیر واکسیناسیون بکاهد.

۳۲. باران اسیدی به دلیل تولید اکسیدهای گوگرد، نیتروژن و دیگر گازهای مخرب به وجود آمده و باعث اختلال در رویش گیاهان و تغییر تنوع موجودات زنده در اکوسیستم می‌شود. در

صورت بارش این نوع باران در رودخانه‌ها، مرگ ماهیان به علت تغییر تعادل اسید و باز در خونشان پیش‌بینی می‌شود.

۳۳. طبق برآوردهای انجمن حفاظت محیط زیست امریکا، یک سوم جریان آب جهان آلوده شده و اصل کیفیت آب بر هم خورده است. آلوده کننده‌های آب در نه دسته تقسیم‌بندی شده‌اند. زباله‌های متقاضی اکسیژن (موادی که موجب کاهش سطح اکسیژن آب می‌شوند)، عوامل بیماری‌زا، مواد غذایی گیاهی، ترکیبات آلی مصنوعی، نفت، مواد شیمیایی معدنی و کانی، رسوبات، مواد رادیواکتیو و گرما.

34. private solution

35. public sector solution

36. the problem of social cost

37. transaction cost

38. transaction costs of bargaining

۳۹. حتی در مقیاس بزرگتر در بین دولت‌ها نیز چنین مشکلی به وجود می‌آید. نمونه آن،

اجلاس اخیر کپنهاگ دانمارک در موضوع محیط زیست است که نتیجه مؤثری در پی نداشت.

40. market based solutions

41. direct regulation

42. fines and taxes

43. subsidizing pollution abatement

44. marketable permits

۴۵. به بیان کولیس و جونز «استانداردهای انتشار سر و صدا یا پساب را می‌توان به گونه‌ای

وضع کرد که تولیدکننده بیشتر از حد معینی تولید نکند... لزوماً وضع این استانداردها به منزله

یک پرواز اختصاصی برای بوم شناس و یک چک سفید برای یک حزب سبز تمام عیار

نمی‌باشد. دلیلی برای تلاش جهت یک محیط زیست عاری از آلودگی وجود ندارد... افراد

خود محصول تولیدکنندگان آنرا ارزشگذاری می‌کنند» (Cullis and Jones, 1997, p.36).

46. cost-benefit analysis

47. ecologist

48. green Economics

49. elimination of wasteful economic activity

۵۰. «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا».

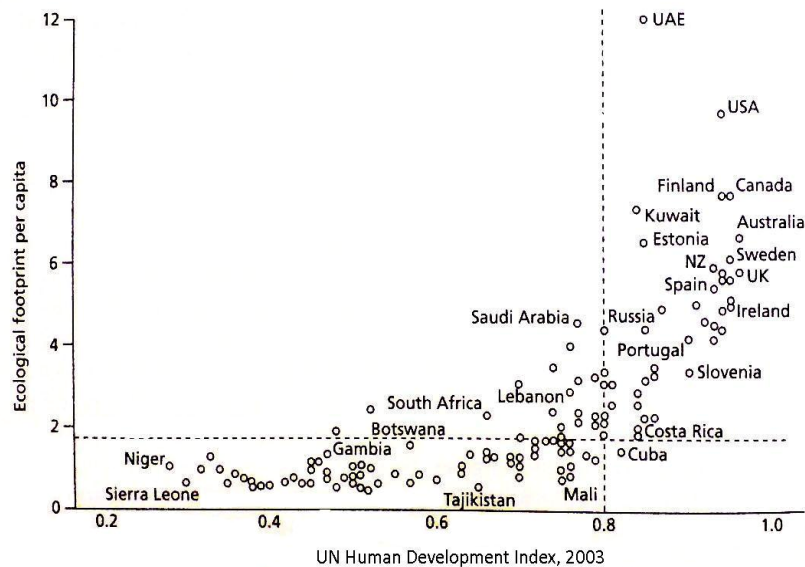
۵۱. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَنَّهُ قَضَى فِيمَنْ قَتَلَ دَابَّةً عَبَثًا أَوْ قَطَعَ شَجَرًا أَوْ أَفْسَدَ زَرْعًا أَوْ هَدَمَ بَيْتًا أَوْ عَوَّرَ بَيْرًا أَوْ نَهَرَ أَنْ يُعْرَمَ قِيمَتَهُ مَا اسْتَهْلَكَ وَ أَفْسَدَ وَ ضَرَبَ جِلْدَاتٍ نَكَالًا وَ إِنْ أَخْطَأَ وَ لَمْ يَتَعَمَّدْ ذَلِكَ فَعَلَيْهِ الْعُرْمُ وَ لَا حَبْسَ عَلَيْهِ وَ لَا أَدَبَ.

۵۲. به طور مثال یکی از شاخص‌های مفید در این زمینه تولید ناخالص داخلی سبز می‌باشد.

۵۳. به طور نمونه شاخص‌های مربوط به بی سواد یا مرگ و میر نوزادان.

۵۴. به عنوان یک نمونه، با مقایسه شاخص توسعه انسانی و یکی از شاخص‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری تقاضای انسان از اکوسیستم زمین و اثرات منفی وارده به طبیعت در نمودار ۱، متوجه این نکته مهم می‌شویم که غالباً ارتباط مستقیمی بین شاخص توسعه یافتگی و بهره‌برداری نادرست از طبیعت وجود دارد (Green Economics, 2008).

#### نمودار ۱: شاخص توسعه انسانی و اثرات سرانه منفی بوم‌شناختی در سال ۲۰۰۳



### کتابنامه

- قرآن کریم  
نهج البلاغه  
آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق.)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۶.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق.)، لسان العرب، بیروت: دارصادر، جلد ۴.  
اصفهان، شیخ الشریعه، فتح الله بن محمد جواد (۱۴۱۰ق.)، قاعده لاضرر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.  
بجنوردی، حسن بن آقا بزرگ موسوی (۱۴۱۹ق.)، القواعد الفقہیة، تدوین توسط مهدی مهریزی و محمدحسن درایتی، قم: نشر الهادی، ج ۱.  
بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، «سیاستگذاری سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حفاظت از محیط زیست»، دانش سیاسی، ش ۹.  
تبریزی، موسی بن جعفر بن احمد (۱۳۶۹ق.)، اوثق الوسائل، قم: کتابفروشی کتبی نجفی.  
جوادی، محسن (۱۳۸۷)، «انسان محوری در اخلاق زیست محیطی با تأکید بر نگرش اسلامی»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۹۰.  
چپرا، محمد عمر (۱۳۸۴)، اسلام و چالش اقتصادی، ترجمه سید حسین میرمعزی و دیگران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اقتصادی.  
چن، میشل (۱۳۸۸)، «زباله‌های الکترونیکی و تخریب محیط زیست»، سیاحت غرب (مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما)، ش ۷۴.  
حرعاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۹ق.)، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ج ۲۵.  
همو (۱۴۱۲ق.)، هدایة الامة الی احکام الائمة - منتخب المسائل، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ج ۱.  
حسینی، فضل الله و عمیق، محسن (۱۳۸۵)، اخلاق زیست محیطی در اسلام، تهران: مشعر و معاونت آموزش و برنامه‌ریزی سازمان حفاظت محیط زیست.  
حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، تهران: انتشارات میقات، ج ۹.

- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۰ ق.)، *الفقه البیئه*، بیروت: مؤسسه الوعي الاسلامی.
- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۸۵ ق.)، *الرسائل*، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- همو (بی تا)، *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ج ۱.
- رمضان اختر، محمد (۱۳۸۱)، «به سوی رویکردی اسلامی از توازن زیست محیطی»، ترجمه عباس عرب مازار و حسن دادگر، *اقتصاد اسلامی*، ش ۸.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ ق.)، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج*، دمشق: دار الفکر المعاصر، ج ۱۹.
- شمسایی، محمد حسین (۱۳۸۰)، *محیط زیست در نگرش اسلامی*، در پدیده شناسی فقر و توسعه، قم: بوستان کتاب، ج ۳.
- شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۴ ق.)، *رسائل فقهیه*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲ و ۱۰ و ۱۵.
- طباطبائی حکیم، سید محسن (۱۴۰۸ ق.)، *حقائق الاصول*. قم: کتابفروشی بصیرتی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ج ۲.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ق.)، *مجمع البحرین*، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ج ۳.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۹۰ ق.)، *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱.
- همو (۱۴۰۷ ق.)، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱.
- همو (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶)، *قواعد فقه*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها و مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی، ج ۳.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ ق.)، *تفسیر الصافی*، تهران: انتشارات الصدر، ج ۱ و ۲.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ ق.)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۴.
- قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ ق.)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱.
- کاشف الغطاء، محمدحسین (بی تا)، *الارض و التربة الحسينية*، بی جا، بی نا.

- کفعمی، شیخ ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵ ق.)، المصباح. قم: دارالرضی.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۴۰۷ ق.)، الکافی، تهران: دارالکتب السلامیه، ج ۵ و ۸.
- کوهن، میشل (۱۳۸۴)، «جایگاه زیاله در نظم نوین جهانی»، سیاحت غرب، ش ۲۱.
- مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی (بی تا)، العناوین الفقہیہ، بی جا: بی نا، ج ۲.
- مجلسی اول، محمدتقی بن مقصود علی اصفهانی (۱۴۱۴ ق.)، لوامع صاحبقرانی، قم: اسماعیلیان، ج ۱.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳)، قواعد فقه بخش مدنی. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مروج جزائری، سید محمد جعفر (۱۴۱۵ ق.)، منتهی الدرایه فی توضیح الکفایه، قم: مؤسسه دارالکتب، ج ۶.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ ق.)، تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۵.
- مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصادی (۱۳۸۶)، امنیت زیست محیطی، از سری گزارشات ویژه مطالعات امنیت اقتصادی، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصادی.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق.)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۱۸.
- Carson, Richard T. and Robert Cameron Mitchell (1993), "The value of clean water: the public's willingness to pay for boatable, fishable, and swimmable water", *Water Resources Research*, vol. 29.
- Cooter, Robert (1982), "The Cost of Coase", *The Journal of Legal Studies*, vol. 11, No. 1.
- Cullis, John, and Philips Jones (1997), *Public Finance and Public choice*, 2nd Edition, New York: Oxford University Press.
- Dolbear, F. Trenergy (1967), "On the Theory of Optimum Externality", *The American Economic Review*, vol. 57, No. 1.
- Downs, Anthony (1957), "An Economic Theory of Political Action in a Democracy", *Journal of Political Economy*, vol. 65.
- Lutz, Robert E. (1976), "The Law of Environmental Management: A Comparative Study", *The American Journal of Comparative Law*, vol. 24, No. 3.
- Moharamnezhad, N. and A. Zadehdabagh (2005), "Environmental study and estimation of external costs (economic-health) of open flares of oil wells in Ahwaz area and elaborate managerial mechanism to reduce the negative effects and to gain economic benefits", *Journa of Environmental Science and Technology*, vol. 26.
- Stiglitz, Joseph E. (1999), *Economics of the public sector*, 3rd Edition, New York: W.W.Norton & Company.
- The World Bank (2005), *How Much is an Ecosystem Worth? Assessing the economic value of conservation*, Washington, DC: IUCN, The Nature Conservancy, The World Bank.